

دکتر جعفر مؤید شیرازی

استاد دانشگاه پهلوی

مثلثات سعدی، حافظ و شاه داعی

شناخت مثلثات - گویش شیرازی و شاعران شیراز - نقد و ارزش ادبی مثلثات - روش تصحیح و شرح مثلثات به وسیله شادروان استاد محمد جعفر واجد شیرازی

از دیرباز و شاید به روزگار خود سعدی، سخن‌شناسان مجموعه آثار این گوینده را در ۲۲ یا ۲۳ بخش فراهم آورده بر هر بخش نامی مستقل گذارده‌اند (۱) یکی از این بخشهای کوناگون، مثلثات است که با گذشت ۷۰۰ سال از روزگار سعدی همچنان بصورت معمایی فراروی دست‌اندازان شاعر قرار داشت و کسی آنگونه که شایسته است آن را نمی‌شناخت و ارج نمی‌نهاد.

سرانجام، ادیبی فرزانه و مردی مردستان از زادگاه شاعر برخاست و باشوقی کم‌نظیر، بار رنجی گران را بردوش کشید تا گرد ابهام از چهره این قسمت از آثار سعدی زدوده شد و دریچه‌های دیگر به دنیای درون این سالار شاعران گشوده گشت.

مثلثات چیست ؟

مثلثات، جمع واژه عربی (مثلثه) وصفی است که به جای موصوف نشسته و اصل ترکیب (قطعه مثلثه) یا (قصیده مثلثه) بوده است. فارسی‌زبانان به کار برد (قطعه) بر نام - گذاری، انواع شعر آشنائی دارند اما در مورد (قصیده) شاید نیاز به این توضیح باشد که در عرف شاعران و ادیبان عرب، قصیده نیز به معنای مطلق شعر - به هر قالب که باشد به کار می‌رفته و ادبای ایران به پیروی از ایشان، در مواردی این نام‌گذاری را پذیرفته‌اند. متنهی گوید :

الالیة شعری هل اقول (قصیده) ولا اشتکی فیها ولا اتعّب (۲)
و ابو محمد لیشی دررثای یزید بن مزید شیبانی سروده است :

۱- مقدمه علی بن احمد بن ابی بکر بیستون بر کلیات سعدی - کلیات چاپ مطبوعاتی

علمی ص ۱۸. و مقدمه فروغی بر مواضع سعدی - مواضع ص الف

۲- شرح دیوان المتنهی ج ۱، ص ۳۰۴

لیبک شاعر لم یبق دهر له نشباً وقد کسد القصيد (۱)
و بهمین دلیل و ترتیب است که ادیبان ایرانی، بخش اشعار عربی سعدی و خاقانی و
برخی از شاعران دیگر را (قصائد عربی) یا (القوائد العربیه) نامیده‌اند. (۲)

در عرف ادب فارسی، به ویژه در محیط گویندگان شیراز (مثلثات) به شعرهایی گفته
شده است که شاعر در سرودن آن از سه زبان یا دو زبان و یک گویش محلی استفاده می‌کرده
و نمونه‌های بارز آن (مثلثات سعدی) و دو غزل مثلث از حافظ و شاه داعی است که شادروان
محمد جعفر واجد شیرازی چند سال پیش فاضلان به تصحیح و شرح و ترجمه آنها دست زد.
شرح مثلثات سعدی اول بار در مجله وزین یغما به چاپ رسید و سپس بصورت جزوهای
مستقل از طرف همین مجله انتشار یافت و اخیراً صورت تجدیدنظر شده آن همراه با مقدمه‌ای
از استاد حبیب یغمایی و شرح غزل مثلث حافظ و شاه داعی، از طرف اداره کل فرهنگ و هنر
فارس منتشر شده است.

بنا بر آنچه گذشت نامگذاری مثلثات، برخلاف معهود زبان فارسی، از آن جهت نیست
که بندهای سه بیته یا سه مصراع با ویژگیهای ثابت در تنه شعر تکرار میشود (مانند آنچه
در مخمسات و مسدسات و جز آن معمول است) بلکه این نامگذاری بر مبنای تعداد و تنوع
زبانهایی که شاعر در اثر خود از آنها بهره‌یافته، صورت گرفته است.

مثلثات سعدی مثنوی بلندی است در ۵۴ سطر و ۱۸ بند که به تناوب ابیاتی به عربی،
فارسی و گویش قدیم شیراز در آن تکرار میشود. از لحاظ مضمون، مثلثات سعدی یک اندرزنامه
است و هر بند آن مضمونی مستقل دارد. بنا بر این در بیتهای فارسی و شیرازی مثلثات سعدی،
همان مضمون بیتهای عربی تکرار می‌شود.

غزل مثلث حافظ ۸ سطر دارد با ۷ مصراع عربی، ۶ مصراع به گویش شیرازی و ۳
مصراع فارسی که به صورتی نامرتب در تنه شعر به هم آمیخته است.
غزل شاه داعی که دارای ۹ سطر و ۳ بند است، به ترتیب از ابیاتی به گویش شیرازی
فارسی و عربی آکنده است.

غزل‌های حافظ و شاه داعی از لحاظ بیان مضامین مانند غزل‌های معمول زبان فارسی
است و از این جهت، ترتیب و شیوه‌ای خاص ندارد.

ابهام در مثلثات

چنانکه گفته، مثلثات سعدی قرن‌ها برای فارسی زبانان و حتی برای ویژگیان و راه -
شناسان ادب، ناشناس بوده است. دلیل این ناشناخته ماندن، در درجه اول ابهامهای فراوان
گویش قدیم شیراز و سپس مشکلاتی است که فارسی زبانان و ادیبان در فهم ابیات عربی مثلثات
داشته‌اند. تصرف کاتبان و تصحیف و تحریفهایی که به مرور بر متن این شعرها عارض گشته،
نیز به نوبه خود بر ابهام این اثر افزوده است.

۱- مجانی‌الادب، ج ۶، ص ۲۲۳

۲- دیوان خاقانی، ص ۹۲۹، - مواعظ سعدی، فروغی، ص ۹۱، کلیات سعدی

ابهام در این زمینه تا به آن حد بوده است که یکی از مستشرقان پس از ملاحظه مثلثات سعدی، سخت به اشتباه افتاده و درباره شاعر نوشته است: «وی یکی از شعرهایش را به ۱۶ زبان سروده است» و به استناد گفته او مؤلفان دائرة المعارف بزرگ اسلامی، این اشتباه مضحك را در اثر خود گنجانده‌اند. (۱) و نیز پژوهنده‌ای دانشمند چون پرفسور شبلی نعمانی، مؤلف کتاب گرانقدر «شعرالمجم» مثلثات سعدی را آمیزه‌ای از ابیات فارسی و عربی و ترکی پنداشته است (۲).

دانشمندان داخلی نیز از اشتباه و لغزش در زمینه مثلثات و لهجه شیرازی مصون نمانده‌اند. شادروان علامه محمد قزوینی و آقای ادیب طوسی به پژوهشهایی در این مورد دست زده‌اند. قزوینی ۴ مصرع از مثلث حافظ را شرح گفته و ادیب طوسی چند بیت از کلیات سعدی و نیز جمله‌ای شیرازی را که در کتاب «فردوس المرشدیه» آمده تفسیر کرده است، اما کار این هر دو استاد، اولی به تفصیل و دیگری به اجمال مورد ایراد و انتقاد استاد دکتر ماهیار نوایی قرار گرفته است (۳) و استاد نوایی خود با همه خبرگی و بصیرتی که در زمینه گویشهای ایرانی دارند، به صراحت گفته‌اند که شعرهای شیرازی سعدی به مناسبت تحریفهای بسیار، به خوبی مفهوم نمی‌شود (۴).

گویش شیرازی و شاعران شیراز

از آثار گویندگان شیرازی، به ویژه آنان که در قرنهای هفتم و هشتم و نهم می‌زیسته‌اند و نیز از پژوهشهای زبان‌شناسان و کارآگاهان ادب، چنین برمی‌آید که مردم شیراز در قدیم، علاوه بر فارسی دری که زبان امروز ماست، گویشی ویژه خود داشته‌اند که در میان ایشان کاملاً زنده و رایج بوده و توانسته است تا روزگاری پس از حافظ دوام یابد و آنگاه به عقیده آقای دکتر نوایی، در اثر نفوذ شدید آثار فارسی سعدی و حافظ، تقریباً به کلی از میان رفته و زبان نرم و استوار این دو شاعر بزرگ به جای آن نشسته است (۵).

تا آنجا که می‌دانیم، از شاعران شیراز، سعدی (در گذشت بین ۶۹۱ و ۶۹۵) روزبهان بقلی (تولد ۵۲۲ در گذشت ۶۰۶) حافظ (در گذشت ۷۹۲ یا ۷۹۱) شاه داعی (تولد ۸۱۵

۱- «وقد کتب احدی قصائد بست عشرة لغة» دائرة المعارف الاسلامیه السعدی (Bacher) فی

Z.D.M.G ج ۳۰ ص ۸۹) ج ۱۱

اگر مثلثات سعدی سبب گمراهی این مستشرق نباشد، ناچار باید بپذیریم که او به قصیده‌ای مشکوک نظر داشته که در کلیاتهای سعدی وجود ندارد ولی فروغی از آن سخن گفته «در یک نسخه خطی هم که اعتبار آن مورد تصدیق ما نیست، قصیده‌ای به سعدی در زبان شهرها منسوب است» مواظ سعدی، فروغی، مقدمه ص ۴

۲- شعرالمجم، ج ۲، ص ۳۷.

۳ و ۴ - مجموعه مقالات دکتر نوایی، متن و حاشیه، ص ۲۱۳ تا ۲۱۵.

۵- رجوع شود به مقاله «لهجه شیرازی تا قرن نهم» و نیز «زبان مردم شیراز در زمان سعدی و حافظ» ص ۲۱۳ و ۲۳۶ مجموعه مقالات دکتر نوایی و نیز به مقدمه «نوید دیدار» از محمد جواد واجد.

درگذشت ۸۶۹) ابواسحاق اطعمه (درگذشت ۸۳۰) و شمس پس ناصر (۱) اشعاری به گویش شیرازی سروده‌اند. بیشترین سهم را در این میان، شاه داعی و شمس پس ناصر (شمس پس ناصر) دارند. شاه داعی علاوه بر اشعار متفرقه‌ای که به این گویش سروده، مثنوی «کان ملاحه» را که در حدود ۷۰۰ بیت است به صورتی مستقل، به گویش شیرازی پرداخته است (۲).

از کار شمس پس ناصر تا سه سال پیش به درستی خبری نداشتیم تا اینکه یکی از نویسندگان بزرگ کشورمان نسخه دیوان این شاعر را در خارج از ایران یافته عکس آن را برای آقای دکتر ماهیار نوایی استاد و رئیس موسسه آسیائی دانشگاه پهلوی، فرستاد. دیوان شمس مجموعه‌ای است از غزل‌های بسیار لطیف که حجم تقریبی آن مساوی يك سوم دیوان حافظ است و انتظار می‌رود به زودی با همت استاد نوایی تصحیح شود و شرح و نشر یابد.

کیفیت و ارزش ادبی مثلثات

چنانکه گذشت، موضوع و محتوای کتابی که اخیراً گرد آمده و شرح و تفسیر و انتشار یافته يك مثنوی از سعدی، يك غزل از حافظ و يك غزل از شاه داعی است. این اشعار همگی در بحر «هزج مسدس مقصور - یا محذوف» - مفاعیلن مفاعیلن فعول - به نظم آمده که در ادب فارسی سابقه‌ای دیرین دارد.

از گذشته‌های دور، دوبیتی‌هایی را که بر این وزن در نقاط مختلف ایران به گویشهای محلی سروده میشد «فهلویات» نامیده‌اند (۳) این نامگذاری، خود دلیلی است بر دیرینگی این وزن در ادبیات کشور ما و مسلم می‌دارد که فهلویات را می‌توان یکی از رشته‌های ارتباط شعر فارسی دری با شعر فارسی پیش از اسلام دانست. (۴) این وزن نه تنها دوبیتی‌های معروف با باطاهر و فایز دشتستانی و دهها ترانه‌سرای دیگر را در بر می‌گیرد، بلکه به خاطر نرمش و خوش‌آهنگی مخصوصی که دارد، از دیرباز نظر مثنوی‌سرایان بزرگ ما راهم به خود جلب کرده است. فخرالدین گرجگانی شاهکاری چون ویس و رامین را در این وزن سروده، نظامی همین وزن را به عاشقانه‌ترین اثر کلاسیک فارسی - خسرو و شیرین - داده و ایرج میرزا مشهورترین مثنوی قرن معاصر عارفنامه - را در این وزن پرداخته است.

۱ - سنوات به ضبط شادروان دکتر محمد معین و زنده یاد سعید نفیسی در اعلام فرهنگ معین و تاریخ نظم و نشر در ایران تا پایان قرن دهم، ذیل هر يك از نامها - نفیسی تاریخ درگذشت شمس پس ناصر را ضبط نکرده ولی می‌گوید: شمس‌الدین بن ناصرالدین شیرازی معروف به «شمس پس ناصر» از شاعران این دوره (قرن هشتم) و غزل‌سرای توانائی بوده و بیشتر به زبان پهلوی شیراز شعر می‌گفته و در این زبان شمس پس ناصر تخلص می‌کرده است و مقداری از اشعار او به این زبان در دست است (تاریخ نظم و نشر در ایران تا پایان قرن دهم ص ۲۲۴)

۲ - شادروان واجد شیرازی «کان ملاحه» را بنام «نوید دیدار» تصحیح و تفسیر کرده و اداره فرهنگ و هنر فارس آنرا در ۱۳۵۳ منتشر ساخته است.

۳ - رجوع شود به المجمع ص ۲۵ - ۹۷ - ۹۸ و از ۱۶۵ تا ۱۷۰

۴ - شعر در ایران، ص ۷۷

گذشته از مثنوی سرایان، از شهید بلخی شاعر عصر سامانی گرفته تا مهدی اخوان ثالث شاعر نوپرداز امروز، گویندگان فراوانی را می‌توان یافت که از این وزن برای سرودن آثاری در قالبهای گوناگون، استفاده کرده‌اند (۱) بیهوده نیست که صاحب‌نظری چون شمس قیس گفته است «خوشترین اوزان فهلویات است» (۲).

از لحاظ ارزش ادبی، غزل مثلث حافظ را می‌توان در ردیف بهترین غزلیات او و در اوج آثار ادبی قوم ایرانی دانست چیره دستی استاد، چنان سه‌زبان مختلف را بهم بافته که به هیچ وجه یکدستی و لطف سخن او مغشوش نگشته است و در سبک غزلسرائی او نیز خللی وارد نیامده. غزل مثلث حافظ را می‌توان لطیف، سحرآمیز، سخته و خلاصه حافظ‌وار خواند. مثلث شاه داعی شعری است با حال و عارفانه که مفاهیم معینی را دنبال می‌کند و اگر از ابیات شیرازی آن بگذریم، بقیه از لحاظ انسجام و دلنشینی، مانند سایر کارهای این شاعر در ردیف سوم از آثار خوب ادب ما قرار دارد.

اما در تعیین ارزش ادبی مثلثات سعدی لازم است بیشتر سخن گفت:

می‌دانیم که این شعر در آزادترین قالب شعر فارسی - قالب مثنوی - و به یکی از نرم‌ترین و مانوسترین وزنهای موجود در ادب ما سروده شده است. موضوع آن هم پند و اندرز است که فن ویژه سعدی است. بنابراین انتظار می‌رود که مثلثات مانند سایر آثار این گوینده بزرگ از لحاظ ارزش هنری در اوج باشد. اما با شکفتی می‌بینیم که چنین نیست و حداقل در مورد ابیات فارسی و عربی آن به قطع می‌توان گفت با آثار خوب استاد برابری نمی‌کند. برای روشن گشتن موضوع و یافتن علت، چهار جنبه مختلف این اثر یعنی قالب، موضوع وزن و سه‌زبانی بودن شعر را بیشتر بررسی می‌کنیم و با آثار متناظر این گوینده چیره دست می‌سنجیم:

گفتیم که قالب مثلثات، مثنوی و موضوع آن پند و اندرز است و می‌دانیم که از سعدی اثری با همین کیفیات به نام بوستان در دست داریم که عالیترین نمونه سخن پارسی و سخته‌ترین و استوارترین منظومه‌ای است که از شعر آفرینان ما به یادگار مانده است. پس تنها وجود «بوستان» کافی است که معتقد شویم هر گاه نارسائی‌هایی در مثلثات وجود داشته باشد، مسلماً از آن روی نیست که در قالب مثنوی سروده شده و موضوع آن وعظ و اندرز بوده است.

« ادامه دارد »

۱ - محمد عوفی قطعه شهید را چنین ضبط کرده است:

اگر غم را چو آتش دود بودی جهان تاریک بودی جاودانه
در این گیتی سراسر گر بگردی خردمندی نیابی شادمانه

لباب‌الالباب ص ۲۴۳ - در مورد شعرهای اخوان رجوع شود به «زمستان» ص ۷۸ و ۱۵۲

۲ - المعجم، ص ۹۷.

۱۶ - در این وزن تنها ۱۱ هجا وجود دارد، بلندترین وزن معمول در شعر فارسی ۲۰ هجا

و کوتاهترین آن ۱۰ هجا دارد (شعر و هنر ص ۲۲۳ و ۲۲۶)